

نگاهی به چند مساله کارگری

# گسترش تعرض به کارگران

کمیسیون کارگری

تعرض و تهاجم سرمایه داران و دولت جمهوری اسلامی بعنوان بزرگترین کارفرمای کشور گسترش روزافزونی یافته و هستی و زندگی کارگران را نشانه رفته است. این تهاجمات و فشارهای همه جانبه و فزاینده به باقیمانده حقوق و دستاورد های کارگران از یک سو بیانگر دامنه و ژرفای بحران ساختاری سرمایه داری در ایران و از سوی دیگر بیان انتقال هر چه بیشتر آسیب ها، ضایعات و بار این بحران بر زندگی کارگران و زحمتکشان است. این تهاجمات هم در عرصه قانونی، با هر چه بیشتر محدود کردن دامنه شمول، مسخ و بی اعتبار کردن قانون کار و حاکم کردن هرج و مرج و قانون جنگل دنبال می شود و هم در تمهیداتی برای تغییر «اصلاح» قانون کار به نفع سرمایه داران و کارفرمایان. جمهوری وزیر کار خطاب به کارگران در این باره می گوید: « شما نباید به قانون کار متکی باشید، به مهارت و ارتقای مهارت و انضباط کاری خود متکی باشید. » . و یا « ما نمی گوییم که قانون کار نباید اصلاح شود اما این قانون در ۹۵ درصد بنگاه ها نیاز به اجرا ندارد و مستثنی هستند. »

اگر چه مبارزات و مقاومت کارگران در شرایط جاری اشکال نسبتاً رادیکال تری یافته است. اما این مبارزات در حالت تدافعی و از سر استیصال جریان دارد. بعبارت دیگر مبارزه کارگران برای زنده ماندن و تلاش برای جلوگیری از فرو افتادن در مهلکه نیستی است، نه برای کسب امتیازات بیشتر و یا نه

برای مثلاً فروش نیروی کار به قیمت واقعی، و یا در شرائطی که دستمزد کارگران چندین برابر زیر خط فقر تعیین می شود، دیگر حقوق کارگران در عرصه های مانند بیمه های اجتماعی، درمان، بیکاری و... نقض و پایمال می گردد.

اعتصاب کارگران سندیکای شرکت واحد و مقاومت جانانه کارگران و خانواده های آنان طی یک ماه نیم گذشته، چشم در چشم رژیمی با همه عرض و طولاش و با چنین دستگاه های سرکوب گسترده، هم نشان از ریشه های مردمی و فراگیر خواست ها و مطالبات کارگران دارد و هم نشان از رشد و آگاهی طبقه کارگر. باید تاکید کرد که حتی سرکوب و مهار این اعتصاب در لحظه کنونی و در تعادل قوای نیروهای اجتماعی فعلی، هیچ نیروئی را توان بازداشتن موجودی که پا به عرصه وجود گذاشته و راه رمزقرب راندن رژیم را یافته، نیست. باید آن را گرمی داشت، حمایت و تا سر حد توان تقویت کرد. اما در نگاهی اجمالی گسترش تعرض به کارگران را می توان در عرصه های زیر مورد دقت و بررسی قرار داد.

**آیین نامه اجرایی ماده ۱۹۱ قانون کار، پنج سال تمدید می شود.**

باروی کار آمدن دولت احمدی نژاد و با معرفی وزیر کار جدید در یک تمهید مشترک از سوی سرمایه داران و دولت، قانون عالی انجمنهای صنفی کارفرمایی ایران (ICEA) طی نامه ای به وزارت کار، خواستار تمدید آیین نامه اجرایی ماده ۱۹۱ قانون کار تا ۵ سال دیگر شد. به موجب ماده ۱۹۱ قانون کار، شورای عالی کار با تصویب هیات وزیران می تواند آیین نامه ای برای خروج کارگاههای کوچک زیر ۱۰ نفر از شمول بعضی مقررات این قانون تدوین نماید. بر همین اساس در نامه قانون عالی انجمنهای صنفی کارفرمایی ایران آمده است: « در کارگاههای کوچک دارای ۱۰ نفر کارگر بنا به دلایلی از قبیل تعداد کارکنان، شرایط کار، وضع اقتصادی کارگاه و روابط کارگر و کارفرما، اجرای برخی از مواد قانون کار جمهوری اسلامی امکان پذیر نمی باشد. » و از این رو نامه قانون بر معافیت ۴۸ ماده و تبصره از قانون کار در کارگاههای زیر ۱۰ نفره به مدت ۵ سال تصریح و تاکید دارد. در اوائل شهریور ماه امسال «موسی الرضا ثروتی» نماینده مجلس خروج کارگاه

های زیر ۱۰ نفر را از شمول قانون کار شایعه دانست. این تلاش ها در حالی صورت می گیرد که اجرای آئین نامه ۱۹۱ و خروج کارگاههای زیر ۱۰ نفر از شمول ۴۸ ماده قانون کار طی سه سال گذشته اصولاً نتوانسته است گره ای از معضل بیکاری بگشاید، یا ظرفیتی را در زمینه اشتغال فراهم کند.

## منطقه ای شدن دستمزد ها

یکی دیگر از عرصه های گسترش این تعرضات موضوع منطقه ای شدن دستمزد کارگران است. در رژیم شاه نیز ابتدا ایران به سه منطقه و در سال ۱۳۵۳ به دو منطقه تقسیم شد. به طور مثال تهران در منطقه یک و سیستان و بلوچستان در منطقه دوقرار گرفت. حداقل دستمزد در منطقه دو به مراتب از منطقه یک پائین تر بود. اکنون نیز تلاش می شود تا به بهانه « ترویج عادلانه کار و دستمزد » حقوق کارگران مورد تعدی و تجاوز قرار گیرد.

«هادی غنیمی فرد» رئیس شبکه خانه های صنعت و معدن ایران در این باره چنین می گوید: « با وجود آن که در قانون های کار قبل و بعد از انقلاب، منطقه ای شدن دستمزدها پیش بینی شده است، اما به دلیل نبود تجربه و فرصت برای اجرای قانون، هیچگاه دستمزدها به صورت منطقه ای تعیین نشده است (ایلنا ۲۷ دیماه ۸۴) ». وی اضافه میکند: « تعیین دستمزدها به صورت منطقه ای می تواند به ترویج عادلانه کار و دستمزد در مناطق مختلف بومی و جغرافیایی کشور، تحقق عدالت اجتماعی و تسهیم شدن در سود واقعی تولید کمک کند. (همان جا) ». علاوه بر این وی ادعا می کند: « تعیین منطقه ای دستمزدها، می تواند بسته به شرایط و ویژگی های مناطق مختلف، به صورت فصلی، موقت و حتی مقطعی انجام گیرد. تعیین دستمزدها به صورت منطقه ای هر چه سریعتر باید انجام گیرد تا به توسعه و رونق اقتصادی کشور کمک شود. منطقه ای شدن دستمزدها از نیمه دوم سال ۸۵ امکان پذیر خواهد بود. ». به عبارت ساده منظور از منطقه ای شدن دستمزد ها به معنای حذف شمول قانون کار، پرداخت حقوق و دستمزد پائین تر از مبلغ مصوب شورای عالی کار، عدم برخورداری از حقوق تامین اجتماعی و بیمه بیکاری و بازنشستگی است.

## اشتغال

عرصه مهم دیگری که امروز کارگران با آن دست به گریبانند موضوع کار و اشتغال است. دولت احمدی نژاد و وزیر کار علیرغم آن که سیاست های "اشتغال زائی" دولت های قبل از خود را مورد انتقاد قرار داده و آنها را ناکارآمد، اعلام می کند و علیرغم آن که وزارت کار و امور اجتماعی را "متولی" و عهده دار و سیاست گذار ایجاد اشتغال می داند، اما به صراحت اعلام می کند، که «مساله اشتغال به این زودی ها قابل حل نیست». لاجرم از وزارت کار «دولت امام زمان» نیز نباید پاسخ به مساله کار و اشتغال و کاهش بیکاری را انتظار داشت.

محمد انتظامی نماینده کارفرمایان در هیاتهای حل اختلاف ادارات کارضمن آن که سیاست کاهش حق بیمه برای ایجاد اشتغال را مورد انتقاد قرار می دهد. آن را مشوقی برای اشتغال نمی داند. اضافه می کند «اگر حق اخراج به کارفرمایان واگذار شود، اشتغال زایی و استخدام ۴۰ درصد افزایش می یابد». این بمعنای پاک کردن صورت مساله و ختم بخیر شدن موضوع اشتغال است. سیاست ها و تمهیدات سرمایه داران و دولت جمهوری اسلامی بیانگر گسترش ابعاد بیکاری و بیکارسازی و فقر فلاکت بیشتر برای کارگران و دیگر زحمتکشانش خواهد بود.

### واگذاری حوزه بازرسی وزارت کار به بخش خصوصی

بند "الف" ماده ۹۶ قانون کارتصریح دارد که، به منظور اجرای صحیح قانون کار و ضوابط حفاظت فنی، اداره کل بازرسی وزارت کار ملزم به نظارت بر اجرای مقررات ناظر بر شرایط کار به ویژه مقررات حمایتی مربوط به کارهای سخت و زیان آور و خطرناک، مدت کار، مزد، رفاه کارگر، اشتغال زنان و کارگران نوجوان است، همچنین تبصره دوم این ماده قانونی، بازرسی مستمر توسط این اداره را زمینه اجرای قانون کار می داند. اگر چه در حال حاضر بازرسی از واحدهای صنعتی تحت نظر وزارت کار صورت می گیرد ولی این بازرسی ها نه تنها مستمر نیست بلکه با مشکلات بسیار متعددی مواجه است. می توان برای نمونه به تعداد بسیار اندک بازرسان اشاره کرد. بازرسی از واحد های کوچک به دلائل فراوان اصولاً انجام نمی گیرد. تا زمانی

که کارگری به وزارت کار شکایت ببرد. کارگران به دلیل عدم امنیت شغلی و ترس از اخراج هیچگاه به چنین کاری دست نمی زنند. علاوه بر آن کارفرمایان حتی لیست کارگران شاغل را علی رغم آن که حق بیمه کارگر را دریافت می کنند، به سازمان تامین اجتماعی گزارش نمی کنند. موارد نقض قانون کار چنان مشهود است که نیاز به تحقیق و بررسی ویژه نیست. به طور مشخص در کارگاه های کوچک و مثلاً در کارگاه های زیر ۱۰ نفر، برای نمونه می توان به وضعیت در کوره پزخانه ها و یا کارگاه های مصالح ساختمانی، پوست و چرم، کفش های ماشینی و..... اشاره کرد. بطور مثال ماده ۷۹ قانون کار در اغلب کوره پزخانه ها رعایت نمی شود. این ماده قانونی صراحت دارد که «به کار گماردن افراد کمتر از ۱۵ سال تمام ممنوع است»، این درحالی است که برخی آمار حکایت از آن دارد که تا بیش از ۵۰ درصد کارگران فصلی کوره پزخانه ها را کودکانی در سنین ۷ تا ۱۵ سال تشکیل می دهند، که تقریباً ۶ ماه سال را به کار مشغولند. این موضوع چنان گسترده و فراگیر است که اساساً امکان پنهان ماندنش از چشم بازرسان کار وجود ندارد.

موارد دیگری که حاکی از عدم بازرسی درچنین کارگاه هائی است، خودداری کارفرمایان از پرداخت حق بیمه کارگران به سازمان تامین اجتماعی است. طبق ماده ۱۴۸ این قانون، کارفرمایان مکلفند بر اساس قانون تامین اجتماعی، نسبت به بیمه نمودن کارگران واحد خود اقدام کنند. اما با وجود کسر هفت درصدی حق بیمه از حقوق کارگران، نام آنها به تامین اجتماعی گزارش نمی شود. ماده ۱۴۸ قانون کار به شکل دیگری نیز نقض می شود. این ماده به صراحت کارفرما را مکلف کرده تا "همه" کارگانش را تحت پوشش بیمه قرار بدهد، اما درکوره پزخانه ها در فصل "قالب زنی" که کارگران به صورت خانوادگی کار می کنند، برخی کارفرمایان، با بیمه کردن سرپرست خانواده، سایر اعضا که خود کارگران مستقلی هستند را تحت تکفل سرپرست قرار می دهند. به این ترتیب هیچ کدام از مواد قانون کار مشمول حال سایر کارگران نمی شود. به طور مثال کارگر زنی که تحت تکفل شوهرش است، در صورت زایمان، نمی تواند از ماده ۷۶ قانون کار که به او اجازه می دهد ۹۰ روز مرخصی با حقوق را

دریافت دارد، استفاده کند. امیدی به بازنشستگی برای این کارگران واهی است، اما در عین حال هفت درصد از دستمزدشان بابت حق بیمه کسر می شود.

این موارد در حالی است که بازرسی کار به موقع صورت نمی گیرد، و یا با کارفرمایان متخلف برخورد نمی شود. حال با واگذاری این موضوع به بخش خصوصی و پیمانکاران، صرف نظر از اینکه تا چه حد می تواند میان پیمانکاران و بازرسین بخش خصوصی با کارفرمایان تباری صورت گیرد، مشکلات دو چندان خواهد شد و نظارت لازم بر محیط های کاری و بر سلامت نیروی کار صورت نخواهد گرفت. اما همه مساله این نیست و این موضوع اتفاقی رخ نمی دهد. بلکه اصولاً آن چه تحت این سیاست ها دنبال می شود. حاکم کردن بی قانونی و ارجح دانستن سرمایه بر کار و حمایت از سرمایه داران در انباشت بدوی، بالا بردن شدت نرخ استثمار و حذف حقوق بیمه های اجتماعی، درمان و بازنشستگی کارگران به قیمت تباهی، بی حقوقی محض و سوق دادن آنان به سوی نیستی است.

### بیمه های بیکاری و تامین اجتماعی

عرصه دیگری که جمهوری اسلامی هم چون گذشته بر آن است تا تعرض خود بر کارگران را گسترش دهد. موضوع بیمه های بیکاری و تامین اجتماعی است. شورای عالی اشتغال، که ریاست آن بعهده احمدی نژاد است، دوشنبه ۲۸ آذرکلیات کاهش هزینه های بیمه تامین اجتماعی را به منظور "ایجاد اشتغال" در کشور و "قانون مند شدن اشتغال های غیر رسمی" (بخوانید بدون بیمه های تامین اجتماعی و بیمه بیکاری) تصویب کرد. مصوبات این جلسه، وزارت کار و امور اجتماعی، سازمان مدیریت و برنامه ریزی، سازمان تامین اجتماعی را موظف به ارائه آئین نامه پیشنهادی برای کاهش هزینه های بیمه تامین اجتماعی به شورای عالی اشتغال می کند. هم اکنون هزینه بیمه کارگران در ایران ۳۰در صد است که هفت در صد آن را کارگر و بیست در صد کارفرما و سه در صد را دولت تامین می کند.

گروه بزرگی از کارفرمایان واحد های صنعتی، تولیدی و خدماتی چه متعلق به دولت و یا به بخش خصوصی چند سال است که علی رغم کسر سهم بیمه از حقوق کارگران هیچ پولی

تامین اجتماعی، حقوق بیمه بیکاری و تامین اجتماعی و بازنشستگی کارگران را مورد تعرض و دچار زیان‌های جبران ناپذیر می‌سازد.

اما آن چه که در برنامه و سیاست‌های دولت احمدی نژاد و وزارت کارش برای کارگران رقم زده شده است. افزایش بیشتر بیکاری، تحدید آزادی‌ها و حقوق صنفی، مخالفت و مانع تراشی در برابر برپائی تشکل‌های مستقل کارگری، گسترش سرکوب کارگران، افزایش فشارهای اقتصادی و فقر، حذف و لغو برخورداری از حقوق بیمه بیکاری، تامین اجتماعی و بازنشستگی و در یک کلام تعرض و تهاجم بیشتر به کارگران است.

به یقین مبارزه کارگران برای متوقف کردن این تعرض و تهاجم، تحقق خواست‌ها و مطالبات کارگری، بر پائی تشکل‌های مستقل کارگری دامنه و گسترش بیشتری خواهد یافت

گروه دیگری از کارگران را از برخورداری از حق بیمه بیکاری محروم می‌سازد.

تاکید این مطلب اهمیت دارد که علی‌رغم آن که کارفرمایان مکلفند بر اساس قانون تامین اجتماعی، نسبت به بیمه نمودن کارگران واحد خود اقدام کنند. ولی با کسر هفت درصدی حق بیمه از حقوق کارگران، نام آنها به تامین اجتماعی گزارش نمی‌شود. از جانب دیگر، سازمان تامین اجتماعی نیز تمديد اعتبار دفترچه‌های بیمه درمانی کارگران را منوط به پرداخت حق بیمه توسط کارفرما می‌کند.

باید اضافه کرد که اگر چه نرخ بیمه کارگر و کارفرما در مجموع ۲۷ درصد است، اما حق بیمه حدود ۸۰ درصد بیمه شدگان سازمان تامین اجتماعی، بر اساس رقم دستمزد حداقلی ۱۲۲ هزار تومان به تامین اجتماعی پرداخت می‌شود. در حقیقت نرخ موثر حق بیمه بسیار کمتر از مقدار رسمی آن است (برخی منابع نرخ موثر را در حدود ۱۵ درصد می‌دانند.) که این نیز علاوه بر تضعیف صندوق

را به سازمان تامین اجتماعی پرداخت نکرده‌اند. در مقابل سازمان تامین اجتماعی نیز با گروگان گرفتن دفترچه‌های بیمه شدگان، آن‌ها را تامین اعتبار نمی‌کند.

مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی داود مددی میزان بدهی‌های معوقه کارفرمایان به این سازمان را بالغ بر یک هزار میلیارد تومان اعلام کرد. علاوه بر این وی تصریح کرد: چنانچه بدهی‌های ۶۶۰۰ میلیارد تومانی دولت به تامین اجتماعی پرداخت شود، این سازمان در ارائه خدمات درمانی و بیمه‌ای با هیچ مشکلی مواجه نخواهد شد. باید تاکید کرد به علاوه بر آن که سازمان تامین اجتماعی مجری سیاست‌های سرمایه‌داران و کارفرمایان است، همچنین ضمن بخشودگی و تقسیط بدهی و اعطای امتیازات گوناگون به کارفرمایان و سرمایه‌داران، با آنان با گشاده دست و تساهل رفتار می‌کند. درحالیکه به مراتب بیشتر بر علیه منافع کارگران عمل کرده و با آنان سختگیرانه و تحقیر آمیز و توهین کننده رفتار می‌شود. جای تاکید دارد که، دولت خود سال‌ها است که از پرداخت ۳ درصد حق بیمه خوداری کرده است.

### از خواسته‌های سندیکای کارگران پشتیبانی کنیم

بنا بر اطلاعیه سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه که دیروز چهارم بهمن ۱۳۸۴ منتشر شده است، این سندیکا از همکاران خود به ویژه رانندگان تقاضا کرده است که از صبح روز شنبه ۱۳۸۴/۱۱/۸ برای "آزادی آقای منصور اسانلو" رئیس هیات مدیره سندیکا، که بیش از یکماه است به خاطر دفاع از حقوق کارگران شرکت واحد در زندان است و "به رسمیت شناختن سندیکا و انعقاد پیمان دسته جمعی ششم" در "همه مناطق و اتوبوس برقی و واحد گشت"، دست به اعتصاب زده و تا رسیدن به خواسته‌های خود اعتصاب را ادامه دهند. در این اطلاعیه همچنین خطاب به کارگران آمده است که "سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی با تمام وجود از حق و حقوق شما دفاع نموده و در این راه با تحمل سختی‌ها همانند سلولهای انفرادی اوین، اخراج، تبعید و احضارهای متعدد به مراکز امنیتی بهیچ عنوان در دفاع از حق و حقوق قانونی کارگران ذره‌ای عقب نشینی نکرده و با اتحاد و همت و یکپارچگی شما همچنان از حق و حقوق شما جانانه دفاع می‌کند."

جمهوری اسلامی طی این ۲۷ سال حاکمیت خود جز شعار، گامی در جهت تحقق خواسته‌های کارگران برنداشته است. این شعارهای بدون پشتوانه در دوره احمدی نژاد به اوج خود رسیده است. تا جایی که پیش از انتخابات و قبل از اینکه به قدرت رسانده شود، قرار شده بود که پول نفت را به سفره کارگران و اقشار کم درآمد سرازیر کند، اما هنوز رنگ این شعارها از در و دیوار پاک نشده و طنین آن از گوش‌ها محو نگردیده، همین جریان به قدرت رسیده، دستگیری و آزار و زندانی کردن کارگرانی را که برای احقاق خواسته‌هایشان از جمله ایجاد سندیکا در تلاش بودند، آغاز نمود. بدین ترتیب نه تنها سفره کارگران و اقشار کم درآمد کشورمان رنگ پول نفت را ندید، بلکه نان ناچیز گذشته نیز از آنان و خانواده‌هایشان ستانده شد.

کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران ضمن پشتیبانی از خواسته‌های کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه از جمله خواست آزادی منصور اسانلو، همه احزاب و سازمانهای سیاسی، تشکل‌های صنفی و دموکراتیک و نهادهای مدافع حقوق بشر را به حمایت از خواسته‌های کارگران ایران و پشتیبانی از اعتصاب آنان فرامی‌خواند. ما وظیفه خود می‌دانیم که صدای حق طلبانه کارگران شرکت واحد را به تمامی مجامع دموکراتیک بین‌المللی رسانده و آنان را برای فشار به جمهوری اسلامی به منظور عقب نشاندنش در برابر کارگران، تشویق نمائیم. ما بر این باوریم که جمهوری اسلامی را تنها اعتراض جمعی، همبسته و نیرومند ایرانیان داخل و خارج می‌تواند به عقب نشینی وادار کند، از این اقدام دریغ نکنیم.

کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

پنجم بهمن ۱۳۸۴ برابر بیست و پنجم ژانویه ۲۰۰۵

محمدعطاریدیان" می‌گوید در حال حاضر کارفرمایان به میزان ۳ درصد حق بیمه کارگران خود را بابت بیمه بیکاری پرداخت می‌کنند. وی می‌افزاید که قانون بیمه بیکاری باید بر اساس توافق کارگران و کارفرمایان تغییر یافته و اصلاح شود. جای تاکید دارد که رای "دیوان عدالت اداری" در مورد کارگران قراردادی، بر این مبنا که چون آنان با میل خود و با اراده با کارفرما قرارداد مهلت دار امضا می‌کنند و بنابراین پس از انقضای قرارداد بیکار تلقی خواهند شد، ترفندی است که گروه بی شماری از کارگران را از دایره شمول دریافت حق بیمه بیکاری خارج ساخته است. اگر چه طرحی با عنوان "استاد و شاگردی" در مورد کاهش هزینه‌های بیمه و افزایش اشتغال پیش نرفت. اما در ترفند دیگری که در سال گذشته در طرحی با عنوان "طرح اشتغال موقت بیکاران" از سوی مجلس تصویب شد، عملاً دست سرمایه‌داران و کارفرمایان را در عدم پرداخت حق بیمه بیکاری آزاد گذاشت. امروز در ادامه تعرضات رژیم، وزیر کار احمدی نژاد با این ترفند که «فرد فاقد مهارت را نمی‌توان بیکار نامید»